

عنوان مقاله:

راه دشوار علوم انسانی بررسی جریا نها و گفتمانهای تحول خواه در عرصه علوم انسانی

محل انتشار:

کنگره ملی علوم انسانی (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سیدهدایت جلیلی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

خلاصه مقاله:

علوم انسانی در ایران پس از انقلاب اسلامی، از رخداد انق لایب اسلامی تا ایده اسلامی شدن دانشگاهها، همواره در قلب و کانون تردیدها، تنش ها و پرسش ها قرار داشته است و هر گونه تحول خواهی و اصلاح جویی، طی یک ربع قرن گذشته در عرصه آموزش عالی، با عناوینی چون اصلاح دانشگاه ها، اسلامی شدن دانشگاه ها، اسلامی شدن علوم، بومی کردن علم و تعبیری از این دست، بیش و پیش از هر چیز، معطوف به دگرگونی در مضمون و محتوای علوم انسانی بوده است. جریا ن ها و گفتمان های تحول خواه در عرصه علوم انسانی، در اینکه علوم انسانی موجود را مطلوب نمی دانستند، همدل بودند، اما در این که مشکل علوم انسانی موجود چیست و علوم انسانی مطلوب کدام است و در این عرصه چه تحولی ممکن و مطلوب است، همناوبو دند. آنچه در این نوشتار می آید گزارش و دسته بندی نگرانی ها، تردید ها، دغدغه ها، نقد ها و نیز چاره جو یی های صاحب نظران و اندیشمندان کشور، در مقطع زمانی 59-75 در باب علوم انسانی است. بد ون تردید، در ده سال اخیر نیز جریان تحول خواهی در عرصه دانشگاهها به ویژه در باب علوم انسانی تداوم داشته و این عزم، در دل خود اد بیات ایده و آرای متفاوتی را پدید آورده است. اما مقاله حاضر از دو جهت اهمیت دارد: یکی از حیث تاریخی که پیشینه و آغاز و ریشه این تحول خواهی را گزارش می کند و دیگر اینکه، نشان می دهد که آن تردیدها و دغدغه های آغازین _درست یا نادرست_ هنوز وهم چنان زنده و اثرگذار است و به تعبیر دیگر، مسئله های دیروز، کمابیش مسئله های امروز ما نیز هست و هر چند، نگاه ها به مقوله ی علم، دانشگاه و فرهنگ، پخته تر، آکادمیک تر و جهانی تر از پیش شده است و تردید ها و دغدغه ها و راهکار ها تا حدودی، بعد و بستری فرا محلی و جهانی یافت ه است، اما ریشه نگرانی ها، انگیزه تحول خواهی ها و نقطه عزیمت دگرگونی ها، تغییری نکرده است.

کلمات کلیدی:

علوم انسانی، انقلاب اسلامی، ایران، دانشگاه، انقلاب فرهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/100651>

